

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه اول ۱۶ مرداد ۱۴۰۲ شمسی

بررسی اجمالی قاعده الزام

چون این قاعده از حیث اصل صحت و هم از حیث سعة و وسعت مورد تردید است باید بررسی اجمالی داشته باشیم که با توجه به ادله در قبول خود قاعده در درجه اول و سپس در سعة و ضیق، چه قدر می توانیم آن را قبول کنیم.

چون بعضی در اصل خود قاعده اشکال کردند که از ادله چنین چیزی استفاده نمی شود بلکه قاعده مقاصه نوعیه است، بعضی در سعة او مناقشه کرده اند. گفته اند این قاعده رابطه بین شیعه و عموم اهل سنت است نه شیعه و تک تک مذاهب اهل سنت باشد و نه غیر مسلمان. بلکه بین شیعه و مورد اتفاق اهل سنت (جمهور)

پس بستگی به سعه تعریف، تعریف متفاوت میشود ولی حالا ما برای این که در ابتدای بحث تعریفی داشته باشیم همان تعریف آقای حلی را بیان می کنیم.

تعریف قاعده الزام: مفاد قاعده الزام این است که شیعی آثار شرعی وضعیه ای که غیر شیعه ملتزم به ترتب آن آثار به افعال خودشان هستند، این شیعی آن آثار را بر افعال آنها مترتب کند به دو شرط که:

۱- شیعی ترتب آثار را بر افعال مذکور قبول ندارد-۲ آثار به ضرر غیر شیعی باشد.

حالا سؤالی را می خواهیم پاسخ دهیم و آن این که آیا مدرک قاعده فقط منحصر به روایات است یا نه؟ آقای حلی فرمودند که بله منحصر در روایات است و ما هم قبول داریم ولی امکان دلایل دیگر را می خواهیم بررسی کنیم.

دلایل: ۱- اجماع-۲- قاعده اقرار-۳- سیره عقلا-۴- دلیل عقل

اجماع: به این معنی که قاعده الزام بین علما اتفاقی است. شاهد بر اتفاقی بودن هم این است که اگر مرد سنی باشد و زن خود را طلاق دهد، مرد شیعی می تواند با آن زن ازدواج کند.

پاسخ: آنچه که برای ما فایده می رساند، این است که اتفاق بر کل قاعده باشد نه فقط مصداق آن. در قضیه طلاق و همچنین قضیه ارث بله اجماع هست ولی این دو فقط مصداق هستند و ما در کلمات علما اجماع بر خود قاعده نداریم نه محصلا نه منقولا. سلمنا بر فرض، اجماعی وجود داشت، مستند آن همین روایات است. پس اجماع مدرکی یا محتمل المدرک می شود، که اعتباری ندارد. البته آقای زنجانی می فرمایند که در مسائل اصلی، اجماع یا شهرتی از علما باشد ما حجت می دانیم ولو معلوم المدرک باشد و این جور نیست که هر اجماع یا شهرتی که مدرکی باشد حجت نباشد. ولی بحث صغروی در این است که قاعده الزام از مسائل اصلی نیست.

قاعده اقرار: به این معنی که اقرار عقلا علی انفسهم جایز است. این جا هم شخص اقرار کرده بر ضوابط و قوانین بر علیه خودش. پس این قاعده الزام می شود مصداق قاعده اقرار.

پاسخ: فرق های متعددی بین این دو قاعده است. یکی از فرق ها این است که قاعده الزام حیثش با قاعده اقرار فرق می کند، در قاعده الزام حیث اعتقاد پیدا کردن است ولی در قاعده اقرار حیث این است که تو چیزی را به ضرر خودت به زبان آوردی و آن را گفتی با این که عاقل و بالغ هستی، این اعتراف اماره است بر اینکه این مطلب مطابق واقع است. فرق دیگر هم این که قاعده الزام در احکام است و لی قاعده اقرار در موضوعات. یک فرق مبنایی هم می توان گذاشت بنابراین که در قاعده الزام، حکم را واقعی ثانوی بدانیم. در این صورت چون قاعده اقرار در هنگام شک است

پس حکم ظاهری می شود و این فرق هست مگر کسی گوید که خود قاعده اقرار هم حکم واقعی است<sup>۱</sup> که در این صورت این فرق منتهی می شود. به هر حال این فرق بر مبنای کسانی است که حکم قاعده الزام را واقعی ثانوی بدانند و گرنه فرق نیست.

سیره عقلا: به این معنی که عقلا به اعتقادات سایر ملل احترام می گذارند و اگر خودشان هم در آن محیط قرار گیرند خودشان را ملزم به آن قوانین می دانند. حالا شیعه که در جامعه اهل سنت زندگی می کند قانون آنها را قبول دارد و آثار آن را مترتب می کند.

پاسخ: آنچه در سیره عقلا وجود دارد این است که شخصی که در جامعه ای رفت، قوانین آنها را محترم می شمارد بدین معنا که الزامات را او هم رعایت می کند ولی معنایش این نیست که آزادی ها آنها را هم قبول می کند. مثلاً این جور نیست که اگر آنها خود را مجاز به مشروب خوردن بودن دانستند او هم خود را در این عمل مجاز بداند چون خلاف اعتقاد دینی اوست بلکه اگر چیزی را بر دیگران لازم دانستند او هم ملزم می شود.

عقل: به این معنی که عقل انسان این طور می گوید هر چیزی که به او اعتقاد پیدا کردی باید در عمل هم به آن ملزم شوی وگرنه استحقاق عقوبت داری.

پاسخ: عقل چنین چیزی را نمی گوید، کثیراً چیزهایی را اعتقاد داریم ولی ملزم به عمل آن نیستیم، پس قبیح نیست. ثانیاً ما باید بتوانیم اثبات کنیم الزام دیگران هم حسن است و باعث عقوبت می شود که چنین چیزی قابل اثبات نمی باشد.

پس ادله ای که بیان کردیم تمام نیست و فقط روایات به عنوان ادله باقی می ماند..

---

۱- هر چند حکم واقعی دانستن اقرار صحیح نیست چون حجیت همه امارات مثل خبر ثقه و اقرار حکمی ظاهری است یعنی حکمی است برای<sup>۱</sup> فرض شک در واقع.